



قواعد حاکم بر نظام حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی در کنوانسیون سنگاپور

کامل حمید^۱
علی رستمی‌فر^۲
حمید قاسمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

چکیده

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد توافقنامه‌های بین‌المللی حل و فصل اختلافات تجاری با عنوان کنوانسیون سنگاپور (درباره میانجیگری) در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ لازم‌الاجراء گردید. تا پیش از تصویب و اجرایی شدن این کنوانسیون، توافقنامه‌های بین‌المللی حل و فصل اختلاف به وسیله میانجیگری فاقد وصف اجرایی بودند؛ این بدان معناست که طرف بازنده معمولاً به تصمیم میانجی که به ضروری بود توجهی نمی‌کرد. در واقع، این کنوانسیون یک چارچوب هماهنگ برای اجرای مقرون به صرفه و سریع توافقنامه‌های میانجیگری ارائه می‌کند که بجای داوری دارای قابلیت اجرا باشد. کنوانسیون سنگاپور تلاش می‌کند چارچوبی برای اجرای توافق‌های حل و فصل میانجی شده مرتبط با موضوعات تجاری بین‌المللی بصورت یکپارچه و هماهنگ ارائه نماید (مانند کنوانسیون‌های نیویورک و کنوانسیون لاهه) مطابق این کنوانسیون، کشورهایی که آن را تصویب می‌کنند مؤظفند توافقنامه‌های حل و فصل حاصل از میانجیگری را براساس قوانین داخلی خود و در عین حال از طریق دادگاه‌های ملی و بشکل تسهیل شده، بنحوی که در متن کنوانسیون مقرر شده است پیش‌بینی نمایند. در این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی گردآوری شده است این نتیجه بدست می‌آید که کنوانسیون سنگاپور با لحاظ قواعد ویژه در زمینه میانجیگری، در تسهیل تجارت بین‌المللی از طریق تبدیل میانجیگری به روشی کارآمد و قابل اعتماد، با وصف الزام‌آور و قابل اجرا برای حل و فصل اختلافات در کنار داوری و رسیدگی‌های قضایی در راستای ایجاد اطمینان و ثبات در زمینه میانجیگری تجاری بین‌المللی است.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. kamelhamid.phd@gmail.com
^۲ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران، (نویسنده مسئول): arq119@yahoo.com
^۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. hamidghasemi@ut.ac.ir

کلید واژه‌ها

میانجیگری، کنوانسیون سنگاپور، حل و فصل اختلاف، سازش تجاری.

مقدمه

از جمله اهداف سازمان ملل متحد که در منشور آن مورد تأکید قرار گرفته است (بند ۱ ماده ۳۳) «حل و فصل اختلافات بین‌المللی با روش‌های مسالمت‌آمیز» بر اساس اصول و رویه‌های بین‌المللی. بنابراین سازمان ملل متحد و اعضای آن می‌بایست در راستای تحقق این هدف مهم همواره اقدام نمایند. از جمله این روشها که مورد تأیید سایر مقررات بین‌المللی خصوصاً در روابط تجاری قرار گرفته است (مانند قانون نمونه سازش تجاری آنسیترال و قانون میانجیگری سنگاپور) «میانجیگری» یا «سازش» می‌باشد.^۱

^۱ بیشتر نویسندگان با الهام از قانونگذاران بین‌المللی، بطور معمول میان «سازش» (Conciliation) و «میانجیگری» (Mediation) تفاوتی قائل نیستند؛ چه آنکه در قانون نمونه میانجیگری آنسیترال (گاهی نیز گفته می‌شود قانون سازش تجاری «مصوب کمیسیون تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد») ابتدا واژه «سازش» (Conciliation) بکار برده شده است (در نسخه ۲۰۰۲) سپس کارگروه تدوین این قانون با رویگردانی از واژه «سازش» روی به واژه «میانجیگری» (Mediation) آورد (در نسخه ۲۰۱۸ «اصلاحی»). همچنانکه در تعاریف ارائه شده از «سازش» و «میانجیگری» به تفاوت خاصی نخواهیم رسید (البته نظر مخالف نیز وجود دارد) هر چند ممکن است میان این دو واژه از حیث ماهیت تفاوتی نیز باشد؛ بعنوان نمونه دکتر شیروی با وجود استعمال این واژه در کنار یکدیگر («گرایش به حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق سازش و میانجیگری...» نک. به: شیروی، بررسی قانون نمونه آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی، ۱۳۸۵: ۴۶ معتقدند تفاوت قابل توجهی بین آنها وجود ندارد (امیری و رضایی، ۱۴۰۰: ۷۶) بعضی نیز به صراحت گفته اند می‌توان از این دو واژه به جای یکدیگر بهره برد (هادی و حاجی پور، ۱۳۹۵: ۱۰۲). با این وجود، گفته شده است در برخی از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، نقش میانجی بسیار فعال تر از سازش دهنده است در حالی که سازش دهنده بصورت کمتری روند حل اختلاف را تسهیل می‌نماید؛ چه آنکه میانجی برخلاف سازش دهنده در مقام ارائه پیشنهادات و تلاش جهت اقناع طرفین خواهد بود و دخالت وی قطعاً در روند سازش با رسمیت بیشتری برخوردار است بر خلاف این، در حقوق انگلستان، ژاپن و هندوستان، سازش دهنده نقش فعالتری نسبت به میانجی دارد. همان: ۴۹. علاوه بر این، ایشان، مستند به بند ۱ ماده ۱ قانون نمونه و ماده ۲ این قانون، سازش و میانجیگری را یکسان دانسته است. در جای دیگر نیز عین این نظریه مورد قبول و تأیید قرار گرفته است؛ بعنوان نمونه، در برخی نوشته‌های نویسندگان داخلی آمده است: «سازش یا میانجیگری، با توجه به انکاء بر تراضی طرفین و اینکه نتیجه فرآیند سازش یا سازش نامه، مطلوب طرفین دعواست، طریقی ویژه در حل و فصل اختلافات محسوب می‌شود...» نک. به: مبعودی نیشابوری و رضائی، ۱۳۹۹: ۷۸۳. از منظر این نویسندگان، سازش یا میانجیگری، از قدیمی‌ترین روشهای حل و فصل اختلافات بوده و نتیجه فرآیند سازش یا سازش نامه مورد رضایت طرفین دعواست... همان: ص ۷۸۴ که نشان از آن دارد اکثر نویسندگان با آنکه سخن از یکسان بودن این دو واژه دارند، اما ظاهراً در عمل استدلال دیگر دارند (و آن استعمال واژه میانجیگری بجای سازش در بیشتر نوشته‌های خویش است). بعضی دیگر از نویسندگان نیز اعتقاد دارند در نظامهای حقوقی مختلف بین سازش و میانجیگری تفاوت ماهوی وجود دارد به این نحو که سازش دهنده تنها طرفین را به راه حل قابل قبول سوق می‌دهد، در حالی که میانجی علاوه بر این، می‌تواند پیشنهادات یا توصیه‌هایی را نیز برای پایان دادن به اختلاف یا دعوا ارائه نماید که این رویه در حقوق فرانسه طرفداران زیادی دارد. ر.ک. به: زرکلام، مزایا و معایب میانجیگری - داوری مانند روش جایگزین حل و فصل اختلافات، ۱۳۷۹؛ برگرفته از جوادپور، علوم‌ی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۸۷. البته آنچه که از قانون

امروزه «میانجیگری» از شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات است^۱ که در آن، طرفین اختلاف با توافق یکدیگر، شخص ثالث و بیطرف متبخری را بعنوان «میانجی» (در بعضی تعاریف «سازش دهنده») به منظور تسهیل در روند حل و فصل اختلافات خود انتخاب می‌کنند تا آن شخص (ثالث) با استفاده از شیوه‌های مناسب، مذاکرات آنان را تسهیل و در اداره آن به آنان کمک نماید. بنابراین «میانجیگری» بویژه مناسب حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است؛ زیرا اولاً؛ با بیشترین سرعت و کمترین هزینه و در فضایی محرمانه (مواد ۸ و ۹ قانون نمونه سازش تجاری آنسیترال) اختلافات را حل و فصل می‌کند، ثانیاً؛ طرفین اختلافات بین‌المللی که معمولاً دولتها و شرکتهای چندملیتی می‌باشند بنا به دلایلی چون بی اعتمادی به دادگاههای ملی طرف قرارداد، اصل صلاحیت سرزمینی و اقتدرا سیاسی، ناآگاهی از قوانین و مقررات خارجی و غیرقابل پیش بینی بودن نتایج رسیدگی دادگاههای ملی طرف اختلاف و دشواری اجرای آرای این مراجع (اعم از قضایی یا غیر آن) ترجیح می‌دهند اختلافات خویش با شرکای تجاری را از طریق «میانجیگری» و مشخصاً بوسیله یک مرجع رسیدگی مشخص (بصورت واحد، منسجم، یک مرحله ای و عام الشمول) در مانحن فیه «کنوانسیون میانجیگری سنگاپور»^۲ حل و فصل نمایند.^۳ در این راستا «کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد» (باختصار «آنسیترال»)^۴ پیش نویس کنوانسیون موافقت نامه‌های بین‌المللی حل و فصل اختلافات از طریق میانجیگری (با عنوان مختصر «سنگاپور میانجیگری سنگاپور» یا «کنوانسیون سنگاپور») را بدون اصلاح (در سال ۲۰۱۸) به تصویب رساند (UNCITRAL Rep, A/73/7, 2018)^۵ پیشینه این کنوانسیون ناظر بر مذاکرات مطرح در سال ۲۰۱۴ بطور مشخص با پیشنهاد ایالات متحده آمریکا برای تدوین کنوانسیون چندجانبه ای بود که التزام به موافقتنامه‌های حل و فصل اختلافات (تجاری بین‌المللی و نه هر نوع اختلافاتی) را بدنبال

نمونه سازش تجاری بین‌المللی (UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation) بند (۳ ماده ۱ آن) مستنبط است واژه «سازش» (Conciliation) مقبول واقع شده است اما بعدها (در نسخه بازنگری شده که مقارن با تدوین و امضای کنوانسیون میانجیگری سنگاپور بوده است) واژه «میانجیگری» (Mediation) جای واژه «سازش» را گرفت.

^۱ Alternative Dispute Resolution (ADR).

^۲ Singapore Mediation Convention.

^۳ البته این بدان معنا نیست که بغیر از این کنوانسیون، هیچ مقرره یا نهاد دیگری صالح به حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی بوسیله میانجیگری نباشد، بلکه بالعکس مقررات متنوع دیگری وجود دارد که دارای اعتبار جهانی بوده و مشخصاً مربوط به میانجیگری نیز می‌باشند و البته طرفداران بسیار زیادی نیز دارند مانند کنوانسیون نیویورک (New York Convention)، مقررات اتحادیه اروپا (Directive 2008/52/EC of European Parliament and of the Council of 21 May 2008) در باب میانجیگری و قانون نمونه میانجیگری آنسیترال (UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation)؛ اما از این حیث که بحث تحقیق حاضر داخل در شمولیت کنوانسیون میانجیگری سنگاپور می‌باشد لذا، بحث و بررسی معطوف به احکام و مسائل مذکور در آن خواهد بود (با نگاهی به قانون نمونه).

^۴ United Nations Commission on International Trade Law.

^۵ تاریخ تصویب دسامبر ۲۰۱۸، تاریخ امضاء اوت ۲۰۱۹ و تاریخ اجرایی شدن «لازم الاجراء» ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲.

داشته باشد (ماده ۱ کنوانسیون سنگاپور) با این وجود این کنوانسیون برخلاف اسناد مشابه پیشین (مانند قانون نمونه سازش آنسیترال) به مسائلی اشاره کرده است که وجه تمایز کنوانسیون مذکور با دیگر مقررات مشابه بشمار می‌آید؛ مثلاً برای آنکه «سازش نامه‌ای» مشمول کنوانسیون سنگاپور شود الزاماً می‌بایست سه ویژگی مهم را داشته باشد که عبارتند از: ۱. سازش نامه باید ناشی از فرآیند میانجیگری بوده و دخالت یک شخص ثالث بعنوان میانجی در فرآیند سازش ضرورت خواهد داشت. ۲. سازش نامه باید دارای وصف بین‌المللی باشد (یعنی مربوط به اتباع یک کشور واحد نباشد) و ۳. تجاری بودن دعوای موضوع سازش نامه نیز ضروری است. همچنین پیش از این سازش نامه‌های بین‌المللی دارای «قدرت الزام آور» (لازم الاجراء) نبوده و در نتیجه طرفین اختلاف تجاری بین‌المللی هیچ الزامی در اجرای مفاد سازش نامه‌های تنظیمی میان خویش اعم از آنکه توسط سازش دهنده یا میانجی تنظیم شده نداشتند. این رویه سبب شد که میانجیگری در مقایسه با داوری جایگاه خود را نزد جامعه تجاری بطور کلی از دست بدهد، زیرا که آرای داوری در مقایسه با سازش نامه‌های تجاری قابلیت اجرا داشتند (مستند به کنوانسیون نیویورک) در عمل این وضعیت سبب شده بود که طرفین اختلاف تجاری به جای مراجعه به میانجیگری و اتلاف وقت از همان ابتدا اختلافات خود را از طریق داوری رفع کرده و بدینسان حل و فصل اختلافات خویش را به اماناً و اگرها و تلاطم وقایع ناپیدا نسپارند. اما آنگونه که خواهیم دید کنوانسیون سنگاپور با الهام از کنوانسیون نیویورک به دنبال ایجاد وضعیتی ممتاز برای سازش نامه‌های تجاری بود که در واقع مانند سازش نامه‌های تنظیمی در کشورها قابلیت اجرا داشته باشند (مانند قانون داوری کانادا و هند یا قانون روشهای جایگزین حل و فصل اختلافات فیلیپین که همگی برای سازش نامه‌های تجاری وصف لازم الاجراء در نظر گرفته اند) البته در اینجا نباید از نکته غافل ماند که در این کنوانسیون بعضی از سازش نامه‌ها قابلیت اجرا ندارند و در واقع توسط مراجع قضایی کشورهای عضو قابل ردّ می‌باشند.^۱

^۱ این موارد مطابق ماده (۵) کنوانسیون عبارتند از: ۱. عدم اهلیت طرفین، ۲. «غیر عملیاتی بودن» و «غیر قابل اجرا نبودن» سازش نامه وفق قانون حاکم یا وفق خود سازش نامه، ۳. اصلاح بعدی سازش نامه، ۴. اجرای قبلی مفاد سازش نامه، ۵. ابهام سازش نامه، ۶. تعارض درخواست اجرای سازش نامه با مفاد آن، ۷. عدم رعایت استانداردها از جمله استقلال، بی طرفی و افشای روابط سابق توسط میانجی و ۸. مخالفت با نظم عمومی و سازش ناپذیری موضوع اختلاف. باید توجه داشت که مطابق ماده (۳) کنوانسیون سنگاپور، سازش نامه‌های بین‌المللی مشمول این کنوانسیون، مطابق قانون آیین دادرسی (مدنی) کشور محل اجراء مورد حمایت واقع می‌شوند. بنابراین، از آنجا که اکنون و در شرایط فعلی مقررات ناظر بر اجرای مفاد سازش نامه‌های بین‌المللی (ناشی از میانجیگری) هیچ تمهیدات خاصی در حقوق ایران وجود ندارد، لذا ضرورت اصلاح مقررات داخلی کاملاً نمایان و ضروری جلوه خواهد کرد. نک. به: معبودی نیشابوری و رضائی، ۱۳۹۹: ۱۲۵ و برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. به: مقدم ابریشمی، چالشهای کنوانسیون میانجیگری سنگاپور و الحاق ایران، ۱۴۰۰. همچنین، جهت کسب اطلاع تفصیلی در خصوص جهات ردّ موافقتنامه‌های میانجیگری (مطابق کنوانسیون میانجیگری سنگاپور) ر.ک. به: امیری، میلاد و رضایی،

به هر روی در کنفرانس سنگاپور برخلاف مقررات مشابه (مانند قانون نمونه سازش آنسیترال و قواعد میانجیگری اتاق بازرگانی بین‌المللی) به قواعدی اشاره دارد که پیش از این توسط واضعان بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته بود در حالی که در این کنوانسیون به قواعدی برخورد خواهیم کرد که توازن و برتری را در نظام حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی بوسیله میانجیگری به سود این سند تغییر داده است. بعنوان نمونه پیش بینی حق شرط (رزرو) در راستای تضمین تمامیت کنوانسیون سنگاپور (ماده ۸) که مطابق آن یک دولت عضو می‌تواند این کنوانسیون را نسبت به موافقتنامه هایی که خود یا یکی از نهادهای دولتی یا نمایندگانی از سوی نهادهای دولتی عضو هستند اجرا ننماید (بند a) و همچنین این کنوانسیون فقط در قلمرویی که طرفین موافقتنامه توافق نموده اند اجرا می‌گردد (بند b) یا قاعده انعطاف پذیری کنوانسیون در نظام حل و فصل اختلافات و اطمینان از این موضوع که سازش نامه از فرآیند میانجیگری حاصل شده است (پارگراف «b») بند ۱ ماده ۴) بعنوان مثال خواسته شده است که امضای میانجی روی سازش نامه درج شود و سند امضاء شده ضمیمه اسناد و مدارک تسلیم شده به مرجع صالح کشور عضو کنوانسیون که مخاطب درخواست اجرا می‌باشد، شود. در قاعده ای دیگر سازش نامه‌های تنظیمی مطابق این کنوانسیون همگی دارای وصف «بین‌المللی» می‌باشند (بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون) همچنین است تصریح کارگروه تدوین کنوانسیون سنگاپور به دارابودن وصف تجاری کلیه سازش نامه‌های تنظیمی (برخلاف دستورالعمل میانجیگری اتحادیه اروپا که دعای مدنی و تجاری در محدوده قلمرو آن قرار گرفته است) از دیگر قواعد مهم این کنوانسیون که در مقررات همسان و مشابه پیشین مورد اشاره قرار گرفته نشده بود «قاعده لازم الاجرا» یا «اعطای وصف لازم الاجراء به سازش نامه‌های تنظیمی» می‌باشد (ماده ۴ کنوانسیون) در واقع این کنوانسیون به دنبال این بوده که وضعیتی مشابه آنچه کنوانسیون نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای آرای داورى ایجاد کرده است، در مورد سازش نامه‌های ناشی از میانجیگری نیز به ارمغان بیاورد. علاوه بر این، کنوانسیون سنگاپور به مواردی پرداخته که دولتهای عضو صلاحیت رسیدگی و حل و فصل در مورد محتوا و ماهیت آنها را نداشته و در نتیجه، موافقتنامه‌های ناشی از میانجیگری در این موارد قابلیت اجرایی نخواهند داشت.^۱

پریسا، تحلیل جهات رد درخواست اجرای موافقت نامه های ناشی از میانجیگری بر اساس کنوانسیون سنگاپور، فصلنامه اندیشه حقوقی، سال دوم، شماره ششم، پاییز ۱۴۰۰، صص ۶۰ تا ۷۸.

^۱ این موارد در ماده (۵) کنوانسیون سنگاپور با عنوان «جهات رد درخواست میانجیگری» مورد تصریح قرار گرفته اند که به طور کلی مربوط به ۱- قواعد عمومی قراردادهای (بخش اول ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور «جهات هفتگانه» که شامل عدم اهلیت یکی از طرفین موافقتنامه، عدم اعتبار و بطلان موافقت نامه، غیرعملیاتی بودن و غیرقابل اجرا بودن آن براساس قانون قابل اعمال، الزام آور نبودن موافقتنامه و نهایی نشدن آن، اعمال اصلاحات بر روی موافقتنامه متعاقب انعقاد آن، اجرا شدن تعهدات ناشی از موافقتنامه، شفاف و قابل درک نبودن تعهدات ناشی از موافقتنامه و پذیرش درخواست اجرا و اجرا کردن خواسته دعوا توسط دادگاه در صورت مغایرت با شروط مندرج در موافقتنامه حل و فصل اختلاف). ۲- جهات رد مربوط به رفتار و یا سوءرفتار

بنابراین، از آنجا که فلسفه وجودی کنوانسیون میانجیگری سنگاپور ایجاد نظام حقوقی الزام آور برای اجرای سازش نامه‌های بین‌المللی ناشی از میانجیگری بوده است لذا بحث و بررسی در خصوص قواعد پیش گفته و مسائل ماهوی در جهت معرفی هر چه بهتر این کنوانسیون به جامعه تجاری ایران موضوع بحث ما در مقاله حاضر خواهد بود. همچنین، با اجرایی شدن کنوانسیون سنگاپور، همواره این دغدغه نزد بازرگانان و دولتهای عضو این کنوانسیون در حل اختلاف بوسیله میانجیگری وجود دارد که میانجیگری بعنوان یک روش جایگزین حل اختلافات ناشی از روابط تجاری بین‌المللی چگونه و بر مبنای چه قواعد حقوقی خواهد توانست که اختلافات مذکور را حل و فصل نماید (با این مشخصه که تا پیش از این اصولاً اختلافات تجاری بین‌المللی با روش «داوری» حل و فصل می‌شده و یا در زمینه میانجیگری «قانون سازش تجاری آنسیترال» مبنای عمل بوده است).

۱- سیر تحولات کنوانسیون سنگاپور (از طرح تا تصویب و اجرا)

سنگ بنای کنوانسیون سنگاپور را باید در آگوست ۲۰۱۹ جستجو کرد؛ جایی که قدرت‌های اقتصادی کنونی جهان (ایالات متحده آمریکا، چین و هند) در کشور سنگاپور گرد هم آمده و طرح یک کنوانسیون در زمینه میانجیگری را بمثابة کنوانسیون نیویورک (راجع به شناسایی و اجرای آرای داور خارجی) مطرح کردند.^۱ از منظر تجارت بین‌الملل این طرح امیدوارکننده بود، زیرا کشورهایی که تا آن زمان، این کنوانسیون را امضاء نکرده بودند، ممکن بود با انگیزه بیشتری برای ورود به آن ابراز تمایل کنند؛ خاصه آن که تا پیش از تصویب و اجرای این کنوانسیون هیچ سند الزام آوری در زمینه میانجیگری تجاری بین‌المللی وجود نداشت. در هر حال، در تاریخ ۷ آگوست این سال، ۴۶ کشور عضو سازمان ملل متحد با ابتکار عمل و همراهی ایالات متحده آمریکا (بغیر از اتحادیه اروپا که خود را بی نیاز از این کنوانسیون می‌دانست) با امضای این سند به آن جنبه حقوقی و الزام آور دادند. بعضی از نویسندگان بر این باورند که پیشینه شکل گیری این کنوانسیون به پیشنهاد ایالات متحده آمریکا (A/CN.9/822-2 June 2014) برای تدوین یک کنوانسیون چندجانبه بر می‌گردد که در سال ۲۰۱۴ مطرح شد (Saumya, 2020: 939). با پیگیری‌های بعدی کشورهای امضاءکننده اولیه کنوانسیون، پیش نویس این سند در ۲۶ ژوئن ۲۰۱۸ توسط آنسیترال امضاء و پس از آن در ۷ اوت ۲۰۱۹ رسماً برای امضای اعضا به شور گذاشته شد.

شخص میانجی (مانند افشای اطلاعات، عدم رعایت بی طرفی یا رازداری یا پایان دادن به فرآیند میانجیگری برخلاف آیین سازش و ...). ۲- جهات رد مربوط به نظم عمومی (بند a از ماده ۲-۵) و ۴- جهت رد مربوط به عدم قابلیت ارجاع موضوع یا میانجیگری.

^۱ طرح رسمی این مهم در پنجاه و یکمین نشست کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۸ صورت گرفت که در آن نشست پیش نویس نهایی کنوانسیون اجرای موافقتنامه‌های بین‌المللی حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی (بعدها کنوانسیون سنگاپور) برای ارائه به سازمان ملل متحد پیشنهاد گردید.

نهایت آنکه این کنوانسیون در ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۰ با هدف اجرای موافقتنامه‌های میانجیگری فرامرزی برای کشورهای عضو لازم الاجراء گردید.^۱

۲- قلمرو کنوانسیون میانجیگری سنگاپور

مطابق ماده ۱ کنوانسیون، دامنه کاربرد توافق حاصل از میانجیگری محدود به قراردادهای کتبی دو سوی اختلاف تجاری است که دارای وصف بین‌المللی باشد. این بدین معناست که کنوانسیون فقط موافقتنامه‌هایی را در بر خواهد گرفت که ۱. کتبی (مکتوب بودن در این کنوانسیون با این مشخصه پیوند خورده است که موافقتنامه منحصراً ناشی از میانجیگری باشد (حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۰: ۱۶۵۰) (بند ۳ ماده ۲)،^۲ ۲. تجاری (مطابق تعریف ارائه شده در قانون نمونه آنسیترال مصوب ۲۱ ژوئن ۱۹۸۵ و ماده ۳ کنوانسیون سنگاپور) و ۳. بین‌المللی (بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون) باشند.^۳ بنابراین، به طور مشخص بعضی از موافقتنامه‌ها و اختلافات از شمولیت این کنوانسیون خارج خواهند بود که در قسمت پایانی این ماده مورد تصریح قرار گرفته‌اند؛ از جمله ۱. دعاوی که توسط دادگاه‌های ملی در جریان رسیدگی یا به صدور رأی منجر شده باشند (بند a) آرای که به عنوان حکم یا مستند قانونی در محل دادگاه‌های ملی اجرا یا قابل اجرا باشند (بند b) همچنین کنوانسیون در مورد قراردادهای حل و فصلی که به عنوان حکم یا رأی

^۱ جهت کسب اطلاع بیشتر از جریان مذاکرات، امضاء، تصویب و اجرای این کنوانسیون، رک. به:

<https://sso.agc.gov.sg/Act/SCMA2020>

^۲ مطابق بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون سنگاپور، متقاضی اجرای سازش نامه نامه باید با ارائه مدارک پارگراف (b) اثبات نماید که موافقتنامه ناشی از میانجیگری است که در این حالت، بار اثبات بر عهده طرف مقابل (خوانده) خواهد بود که عدم اعتبار مدارک ارائه شده (مستندات) را اثبات نماید (Claxton, 2019: 1; Schnabel, 2019: 17) البته این تمهید که موافقتنامه سازش / داوری منحصراً موضوع توافق ارجاع اختلاف به نهاد حل اختلاف باشد، در دیگر اسناد مشابه مورد تصریح قرار نگرفته است (معبودی نیشابوری و رضائی، ۱۳۹۹: ۷۸۹).

^۳ مطابق بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون وصف «بین‌المللی» زمانی صادق است که حداقل یکی از دو طرف قرارداد حل و فصل اختلاف تابع کشور دیگری باشد (طرفین تابع کشورهای مختلفی باشند و دارای تابعیت یکسان نباشند) و اگر طرفین دارای تابعیت یکسان هستند میانجیگری بشرطی بین‌المللی محسوب می‌گردد که اقامتگاه تجاری طرفین متفاوت باشد (اگر محل اقامتگاه تجاری طرفین یکسان باشد، در صورتی اجرای تعهدات موافقتنامه میانجیگری در کشور دیگری باشد و یا اگر موضوع موافقتنامه ارتباط نزدیکی با کشور دیگری داشته باشد که یک سوی میانجیگری است در این فرض نیز عنصر بین‌المللی محقق شده است) منظور از ارتباط نزدیک در فراز پایانی این بخش نیز بیشترین ارتباط فعالیت تجاری با موافقتنامه میانجیگری است که مشابه آن در بند ۵ ماده ۱ قانون نمونه ۲۰۰۲ و بند ۳ ماده ۳ قانون نمونه ۲۰۱۸ آنسیترال (در زمینه سازش تجاری) پیش از این تصریح شده است. این رویکرد همچنین در ماده ۱۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰) اتخاذ شده است (معبودی نیشابوری و رضائی، ۱۳۹۹: ۷۹۱).

داوری قابل اجرا هستند اعمال نمی شود (بند c).^۱ علاوه بر این، کنوانسیون سنگاپور در سه ردیف از دعاوی، قابلیت اعمال و اجرا نخواهد داشت. علاوه بر این مطابق بند ۲ ماده ۱، اختلافات ناشی از حقوق مصرف کنندگان، دعاوی خانوادگی، دعاوی خصوصی یا دعاوی مربوط به حقوق خانواده، ارث و اختلافات مربوط به حقوق استخدامی مشمول مقررات کنوانسیون سنگاپور نخواهند بود.

۳- قواعد خاص کنوانسیون میانجیگری سنگاپور

کنوانسیون میانجیگری سنگاپور با الهام از کنوانسیون نیویورک (راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی) سعی کرده است که قواعدی را پیش بینی نماید که ضمن تسهیل روابط تجاری بین‌المللی و حل و فصل آسان اختلافات تجاری بوسیله نهاد میانجیگری، کمترین تعارضی را نیز با مقررات داخلی کشورهای عضو نداشته باشد. به همین دلیل می‌توان به قواعدی در کنوانسیون استناد نمود که جنبه نوآورانه داشته و تا پیش از این نظیر آنها در اسناد و مقررات بین‌المللی مشابه و همسان آنها وجود نداشته است مانند پیش بینی حق شرط یا رزرو، انعطاف پذیری کنوانسیون در تطبیق سازش نامه‌ها با مقررات مشابه، جهات رد درخواست اجرای سازش نامه توسط مقام قضایی کشور محل اجرای تصمیم میانجیگر، اعطای وصف لازم الاجراء به سازش نامه‌های تنظیمی، عدم استفاده از اصطلاح شناسایی در کنوانسیون (برخلاف کنوانسیون نیویورک که الهام بخش کارگروه تدوین این کنوانسیون بوده است) عدم وضع مقررات در خصوص توافقنامه حل و فصل اختلافات از طریق سازش و عدم وضع مقررات صریح در خصوص محرمانگی در سازش که در ذیل هر یک به اختصار تشریح خواهند شد.

۳-۱- جهات رد درخواست اجرای سازش نامه توسط مقام قضایی کشور محل اجرا

با وجود آنکه فلسفه وجودی کنوانسیون سنگاپور تسهیل روابط تجاری و حل و فصل دوستانه اختلافات بین‌المللی می‌باشد اما این بدان معنا نیست که کنوانسیون دارای قلمرو عام در همه مسائل، اختلافات و دعاوی می‌باشد چه آنکه قبلاً بیان گردید برای اینکه سازش نامه ای مشمول کنوانسیون سنگاپور شود

^۱ خاطر نشان می‌گردد برخلاف دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجیگری (مصوب ۲۰۰۸) که دعاوی مدنی و تجاری هر دو در محدوده مقررات مذکور قرار گرفته است، در کنوانسیون سنگاپور تنها دعاوی تجاری داخل در شمولیت آن قرار گرفته است که ناشی از دو علت عمده می‌باشد؛ اول آنکه گردانندگان اولیه این کنوانسیون با تأسی از قانون نمونه سازش تجاری آنسیترال (۲۰۰۲) سعی کرده اند که از قوانین داخلی کشورها فاصله گرفته و بدینسان دعاوی مدنی را از قلمرو این کنوانسیون خارج کنند. از سویی نیز اتخاذ رویه ای مغایر با این، سبب خواهد شد که بسیاری از کشورها چون ناچار به تغییر قوانین در انطباق با مقررات کنوانسیون سنگاپور خواهند بود لذا رغبت چندانی به عضویت در آن نخواهند بود. دوم آنکه یکی از اهداف عمده این کنوانسیون آنگونه که در پیش نویس آن و مذاکرات اولیه آمده است تسهیل و افزایش اعتماد متقابل در تجارت بین الملل بوده است لذا مسائل مدنی مشخصاً خارج از تحقق این هدف خواهد بود.

باید سه ویژگی دخالت شخص ثالث (میانجی) در فرآیند میانجیگری، داشتن وصف بین‌المللی برای سازش نامه و تجاری بودن موضوع دعوا مربوط به سازش نامه بطور توأمان حاصل باشد. این بدان معناست که همه تصمیمات میانجی یا آیین ناظر به میانجیگری مطابق مفاد کنوانسیون سنگاپور قابل اجراء مطابق مقررات داخلی کشورها نیست. در این راستا، ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور به جهاتی اشاره کرده است که تصمیم میانجی را در کشور عضو غیر قابل اجراء می‌داند. این موارد عبارتند از: ۱. عدم اهلیت یکی از طرفین، ۲. غیرعملیاتی بودن و غیرقابل اجراء بودن سازش نامه مطابق قانون حاکم یا وفق مفاد خودِ خود سازش نامه، ۳. اصلاح بعدی سازش نامه، ۴. اجرای قبلی سازش نامه، ۵. ابهام سازش نامه، ۶. تعارض درخواست اجرای سازش نامه با مفاد آن، ۷. عدم رعایت استانداردها از جمله استقلال، بی طرفی و افشای روابط سابق توسط شخص میانجی (اصل نحرمانگی اطلاعات) و ۸. مغایرت سازش نامه تنظیمی با نظم عمومی و سازش ناپذیری موضوع اختلاف که در صورت احراز هر یک از این جهات، دادگاههای ملی کشورهای عضو، حکم به عدم اجرای مفاد سازش نامه تنظیمی خواهند داد حتی اگر میانجی مطابق عموماً کلی کنوانسیون مبادرت به رسیدگی و صدور سازش نامه کرده است.

۳-۲- اعطای وصف لازم الاجرا برای سازش نامه‌های تنظیمی

از جمله مهمترین قواعد حقوقی موردنظر کنوانسیون سنگاپور که سنگ بنای فلسفه وجودی وضع آن نیز بوده است «اعطای وصف لازم الاجراء به سازش نامه‌های حاصل از فرآیند میانجیگری» است که تا پیش از این در هیچ مقرره بین‌المللی در خصوص میانجیگری تصریح نشده است. در واقع، این کنوانسیون به دنبال این بوده است که وضعیتی مشابه آنچه کنوانسیون نیویورک در خصوص آرای داوری ایجاد کرده است در مورد سازش نامه‌های ناشی از میانجیگری به ارمغان بیاورد (آوایی، ۱۳۹۸: ۱؛ جنیدی، ۱۳۹۸: ۱ و معبودی نیشابوری و رضایی، ۱۳۹۹ / ب: ۱۲۱ همچنین در حقوق غرب: Chong and Steffek, 2019: 449; Sim, 2019: 691; Strong, 2014: 28; Alexander, 2018: 1; Chua, 2019: 2; Lim, 2019: 391). البته، اعطای این وصف به سازش نامه‌های حاصل از فرآیند میانجیگری (مطابق عموماً کنوانسیون سنگاپور) بدین معنا نیست که تاکنون امکان اجرای سازش نامه‌های وجود نداشته است، بلکه هدف از چنین تمهیدی صرفاً ایجاد نظام مستقل و یکپارچه به سازش نامه‌های بین‌المللی در حقوق کشورهای عضو کنوانسیون سنگاپور است؛ زیرا که به عنوان مثال، در حقوق ایران تا پیش از وضع و شناسایی این کنوانسیون، صرفاً سازش نامه‌هایی در ایران قابل اجراء بودند که در دفاتر اسناد رسمی یا نزد داور یا دادگاه لازم الاجراء تلقی می‌شدند وجود داشت اما با اجرایی شدن کنوانسیون سنگاپور این محدودیت از بین رفته و اکنون کلیه سازش نامه‌های تجاری بین‌المللی که در حدود کنوانسیون سنگاپور لازم الاجراء شده اند در حقوق ایران مورد شناسایی و اجراء گذاشته خواهند شد. به تعبیر عده ای از حقوقدانان پس از وضع و اجرایی شدن کنوانسیون سنگاپور، طرفین اختلاف که دعوای تجاری خویش را

به میانجیگری ارجاع داده اند مجبور نخواهند بود که پس از صرف هزینه و زمان و انعقاد سازش نامه، دست آخر برای اجرای تصمیم مربوطه به دیگر شیوه‌های حل اختلاف مانند داوری و دادرسی متوسل شوند (معبودی نیشابوری و رضایی، ب / پیشین: ۱۲۱ و 2: Schnabel, 2019) اما همانگونه که قبلاً بیان گردید دادگاه‌های ملی کشورهای عضو همه ی سازش نامه‌ها را مورد شناسایی قرار نخواهند داد بلکه اعطای وصف لازم الاجراء و شناسایی آن جهت احراز، منوط به احراز شرایطی است که توسط مقامات قضایی کشورهای عضو می‌بایست صورت گیرد مانند آنکه ۱. سازش نامه توسط طرفین اختلاف امضاء شده باشد، ۲. امضای میانجی روی سازش نامه درج شده باشد، ۳. در ارتباطات الکترونیکی جهت تحقق شرط امضای سازش نامه، باید روشی برای احراز هویت و اراده طرفین پیش بینی شده باشد، ۴. با دستور مقام صلاحیتدار قضایی، امکان ترجمه سازش نامه تی که به زبان رسمی کشور عضو کنوانسیون سنگاپور نیست وجود داشته باشد، ۵. امکان مقرر کردن مستندات لازم برای تحقق الزامات مذکور توسط مقام صالح قضایی وجود داشته باشد و ۶. لزوم اقدام سریع مقام قضایی (مطابق ماده ۴) در مقام رسیدگی به درخواست اجرای مفاد سازش نامه وجود داشته باشد (همان: ۱۲۲) خاطر نشان می‌گردد در حقوق ایران چون اجرای مفاد سازش نامه‌ها مطابق آیین دادرسی و ضوابط خاصی صورت می‌گیرد (مانند گزارش اصلاحی یا لزوم تنظیم سازش نامه در دفاتر اسناد رسمی و ...) لذا، در فرض کنونی، دادگاههای ما ناگزیر خواهند بود از این ناهمگونی (در اجرای مفاد سازش نامه‌های داخلی و بین‌المللی) روی گردان شده و مفاد سازش نامه‌های بین‌المللی را مطابق حکم کلی کنوانسیون سنگاپور با فروض و شرایط پیش گفته را به موقع اجراء نمایند (با رعایت ماده ۸ کنوانسیون و اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۳-۳- عدم استفاده از اصطلاح شناسایی

در کنوانسیون سنگاپور برخلاف کنوانسیون نیویورک، کارگروه آنستیرال به هیچ عنوان از واژه «شناسایی» استفاده نکرده است. اهمیت این موضوع زمانی جلوه خواهد کرد که ممکن است علی رغم انعقاد سازش نامه توسط طرفین، یکی از ایشان از اجرای مفاد سازش نامه برخلاف توافق خودداری نماید. در این صورت، اگر سازش نامه دارای وصف لازم الاجراء باشد، ذینفع که اصولاً متعهدله قرارداد پایه است می‌تواند اجرای مفاد سازش نامه را به طرف دیگر (محکوم علیه) تحمیل نماید (همان: ۱۲۵) بنابراین، مفهوم شناسایی در اینجا نقش اصلی خود را پیدا خواهد کرد که مطابق ادبیات حقوقی زمانی تداعی می‌کند که دادگاه داخلی می‌خواهد مفاد سازش نامه را اجراء نماید که در این فرض می‌بایست مفاد سازش نامه را با قوانین و مقررات مقرر دادگاه (قانون ملی) تطبیق دهد و در صورت قانونی و مشروع تلقی کردن مفاد سازش نامه دستور به اجرای آن خواهد داد (Sussman, 2018: 49; McCormick and Ong, 2019: 532; Chang and Morris – Sharma, 2019: 500) حقوق داخلی گفته اند میان شناسایی هر گروه از سازش نامه‌ها (داخلی و خارجی) باید قائل به تفکیک

شد؛ در مورد سازش نامه‌های خارجی تنظیم شده نزد داور (مطابق ماده ۳۴ قانون د اوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ و بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون نیویورک) دادگاه‌ها مطابق ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ یا سران دفاتر اسناد رسمی مطابق مواد ۱۲۹۵ قانون مدنی و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی مفهوم «شناسایی» را مفروض می‌دانند (این بدان معناست که درج واژه شناسایی در کنوانسیون سنگاپور ضروری نبوده است که کارگروه آنسیترال نیز بدرستی این قاعده را رعایت کرده است) لذا، در این فرض دادگاه‌های ما با رعایت نظم عمومی رأی به اجرای مفاد سازش نامه‌ها خواهند داد اما اگر دادگاه‌های ما مفاد سازش نامه‌های مذکور را مغایر با نظم عمومی تشخیص دهند در این صورت شناسایی صورت نخواهد گرفت و تقاضای اجراء ردّ خواهد شد (همان: ۱۲۶) در هر حال، باید دانست که مفهوم شناسایی مفهومی است پیش از اجراء و در هر صورت دادگاه‌ها ابتدا باید عنصر «شناسایی» را احرا نمایند تا امکان اجرای مفاد سازش نامه‌های خارجی در حقوق ایران وجود داشته باشد؛ این بدان معناست که بغیر از سازش نامه‌های تنظیمی در حدو دقلمرو و شمولیت کنوانسیون سنگاپور، دیگر سازش نامه‌ها - با رعایت کنوانسیون نیویورک - در حقوق ایران مورد شناسایی و اجراء قرار نخواهند گرفت. همچنین، شناسایی مفاد سازش نامه‌های داخلی نیز در حدود ماده ۹۷۵ قانون مدنی برای دادگاه‌های ما میسر خواهد بود و از این حیث تمهیدات یا تشریفات خاصی برای احراز مفهوم «شناسایی» برای این سازش نامه‌ها وجود نخواهد داشت.

۳-۴- پیش بینی حق شرط یا رزرو

از جمله مهمترین قواعد خاص کنوانسیون سنگاپور می‌توان به پیش بینی «حق شرط یا رزرو» اشاره کرد که در ماده ۸ این کنوانسیون تصریح شده است. کارگروه آنسیترال موقع تدوین متن اولیه کنوانسیون سنگاپور در راستای تضمین تمامیت کنوانسیون و اعطای آزادی عمل بیشتر به کشورهای مایل به عضویت این حق را به طور صریح - اما محدود به شرایطی - در ماده ۸ احصاء نمود که مطابق آن، اولاً: هر یک از اعضای این کنوانسیون می‌تواند نسبت به موافقتنامه‌هایی که خود یا یکی از نهادهای دولتی یا نمایندگانی که از سوی نهادهای دولتی عضو آن هستند اجراء نشود (بند a) و ثانیاً: این کنوانسیون فقط در قلمروهایی اجراء می‌گردد که طرفین موافقتنامه سازش توافق نموده اند (بند b) اما باید به این نکته اذعان کرد که این حق صرفاً مرتبط با قابلیت اعمال کنوانسیون در مورد موافقتنامه‌هایی است که در آن یک نهاد دولتی یا شخصی به نمایندگی از دولت عضویت دارند و نیز امکان لحاظ شرط «گزینش» دلالت دارد (حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۰: ۱۶۵۶) بنابراین، باید قائل به این بود که مطابق این قاعده، این کنوانسیون به کشورهای متقاضی عضویت این حق را اعطاء کرده است که در صورت «تمایل» و نه الزاماً می‌توانند در مورد موافقتنامه‌های حل و فصل که دولت مربوطه یا سایر نهادهای حقوق عمومی که عضو آن هستند برای آن دولت قابل اجرا نباشد که در مانحن فیه دولت جمهوری اسلامی در زمان امضای این

کنوانسیون از این حق استفاده کرده است (قسمت a بند ۱ ماده ۸) و همچنین اتخاذ رویکردی مبنی بر اینکه کنوانسیون تنها در حدودی اعمال شود که طرفین اختلاف با اعمال آن موافقت کرده باشند (قسمت b بند ۱ ماده ۸) در واقع این ماده شامل دو شرط می‌باشد؛ شرط اول این معنا را افاده می‌کند که کنوانسیون به یک عضو خویش اجازه می‌دهد تا موافقت‌نامه‌های حل و فصل کنوانسیون را که یکی از آنها است، یا هر سازمان دولتی یا هر شخصی که به نمایندگی از یک سازمان دولتی عمل می‌کند، به میزان مشخص شده، از اجرای آن مستثنی کند. مطابق شرط دوم به یک طرف کنوانسیون اجازه داده می‌شود که متقاضی عضویت اعلام کند که کنوانسیون را فقط تا حدی اعمال خواهد کرد که طرفهای اختلاف با اعمال آن موافقت کرده باشند. همچنین در تکمیل این ماده، ماده ۹ مقرر می‌دارد کنوانسیون و هر گونه شرطی که در مورد آن وجود دارد، در مورد توافق‌نامه‌های حل و فصلی که پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای طرف مربوطه منعقد شده است، مطابق ماده ۹ اعمال می‌شود.

۳-۵- انعطاف‌پذیری کنوانسیون در تطبیق با مقررات مشابه

این کنوانسیون با قانون نمونه آنسیترال در مورد میانجیگری تجاری بین‌المللی و توافق‌نامه‌های حل و فصل بین‌المللی ناشی از میانجیگری (۲۰۱۸) سازگار زیادی دارد. هدف از این رویکرد این است که به کشورها انعطاف‌پذیری برای پذیرش کنوانسیون، قانون نمونه به عنوان یک متن مستقل و یا هر دو کنوانسیون و قانون نمونه به عنوان ابزارهای تکمیلی یک چارچوب حقوقی جامع در مورد میانجیگری ارائه دهند. همچنین این کنوانسیون از آنجا که با هدف تسهیل تجارت بین‌المللی و ترویج استفاده از میانجیگری برای حل و فصل اختلافات تجاری فرامرزی است سعی کرده است با اتخاذ رویکردی ساده و کارآمد و در عین حال سازش‌نامه‌های تنظیمی الزام آور و قابل اجرا اتخاذ تصمیم خواهد کرد؛ رویه ای که تا پیش از این در هیچ یک از اسناد بین‌المللی مرتبط با میانجیگری (سازش) فاقد پیشینه بود.

۳-۶- عدم وضع مقررات در خصوص توافق‌نامه حل و فصل اختلافات از طریق

سازش

یکی دیگر از قواعد خاص کنوانسیون سنگاپور که گاهی نویسندگان داخلی از آن تحت عنوان «چالش حقوقی» یاد می‌کنند، این است که کنوانسیون سنگاپور برخلاف کنوانسیون نیویورک صرفاً در خصوص سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرآیند میانجیگری نظر داشته است و در مورد توافق‌نامه حل و فصل اختلافات از طریق سازش مطلبی بیان نداشته است (همان: ۱۲۶ و در حقوق غرب: Sussman, 2018: 47; Strong, 2019: 49) البته در زمان تدوین طرح کلی کنوانسیون سنگاپور طی جلساتی که در کارگروه آنسیترال مطرح بود (UNCITRAL, 2016) & (UNCITRAL, 2015 (2)) برای گذار از هرگونه پیچیدگی و در هم آمیخته شدن مقررات مختلف از این موضع صرف‌نظر شد، زیرا این کارگروه

معتقد بود ضرورتی در بین نبود که طرفین اختلاف الزاماً باید توافق نامه سازش منعقد نمایند و قرار بر این شد که وجود یا عدم وجود توافق نامه قبلی، براساس مفاد سازش نامه حاصل از فرآیند میانجیگری باشد (همان: ۱۲۷) این رویکرد دقیقاً همان شرطی است که احراز خواهد کرد سازش نامه مذکور در حقوق داخلی کشورهای عضو قابل اجرا هست یا خیر (با رعایت دیگر شروط الزامی) در نتیجه، تصمیم این کارگروه مبنی بر عدم درج موادی در خصوص توافق نامه سازش در متن کنوانسیون نه یک چالش حقوقی بلکه به این معماست که باید پذیرفت توافق نامه سازش اساساً ارتباطی به این کنوانسیون نداشته و سازش نامه نهایی (لازم الاجراء) می‌تواند در خصوص موضوعاتی خارج از توافق نامه سازش نیز باشد، چرا که طرفین اختلاف می‌توانند (به عنوان یک اصل مطابق کنوانسیون سنگاپور) را که می‌خواهند در زمان انعقاد سازش نامه حل و فصل نمایند (همان: ۱۲۷) این تقریر دقیقاً مغایر با نص کنوانسیون نیویورک است که در آن الزاماً باید رأی داوری صرفاً در خصوص موضوعاتی باشد که در محدوده توافق نامه داوری باشد (Schnabel, 2019: 14; Sussman, 2018: 49) علاوه بر این، مطابق نظر کارگروه آنسیترال حتی درخواست وجود توافق نامه سازش نیز بایستی طرفین اختلاف برای انعقاد سازش نهایی (لازم الاجراء) قبلاً توافق کرده باشند (همان) البته این موضوع ممکن است این شائبه را بوجود آورد که اگر طرفین اختلاف با وجود توافق بر حل و فصل دعوی خویش بوسیله میانجیگری، به دیگر شیوه‌ها توسل جویند (مانند داوری یا دادرسی) در این صورت تکلیف داور یا مقام قضایی چیست و اگر داور یا مقام قضایی به چنین دعوی رسیدگی کند آیا باید به اجرایی بودن رأی صادره حکم داد یا آن را غیرقابل اجراء تلقی نماییم که بحث مربوط به آن در حوصله مقال حاضر نیست اما به این مقدار بسنده خواهیم کرد که به نظر می‌رسد به چنین رسیدگی‌هایی مطابق قانون کشور محل درخواست اجرای رأی داوری یا دادرسی باید ایراد کرد و قائل به وجود مانع اجراء بود؛ زیرا، توافق اولیه سازش صریحاً حکایت از روی گردانی از دیگر روش‌های حل و فصل اختلافات است. البته، در حقوق ایران رویه قضایی دادگاه‌ها چنین است که اگر طرفین سازش نامه به روشی دیگر استناد جوید دادگاه‌ها به این توافق جدید ترتیب اثر خواهند داد (همان: ۱۲۸) اما بهتر این بود که کارگروه آنسیترال حکم این قضیه را نیز به صورت شفاف و مصرح اعلام می‌کرد تا از بروز تفاسیر و دیدگاه‌های ناصواب بعدی اجتناب بعمل می‌آمد.

۳-۷- عدم وضع مقررات صریح در خصوص حفظ محرمانگی در سازش

با بررسی دقیق مفاد نهایی کنوانسیون سنگاپور واضح است که «محرمانگی» با وجود آنکه عنصری مهم و خاص در میانجیگری است امبا ملحوظ نظر قرار نگرفته است. فایده عملی این تصریح چنین می‌بود که اگر طرفین سازش نامه این اطمینان را داشته باشند که تمامی راه‌های میانجیگری به صورت صریح میان آنها جریان دارد و نیز تمامی فرآیند بین خود و میانجی به صورت محرمانه باقی خواهد ماند، شخص میانجی می‌تواند راه حل‌های به مراتب بهتری نیز به طرفین ارائه نماید (شیروی، ۱۳۸۵: ۵۶ و در حقوق

غرب: Hadikusumo and Chua, 2015: 16; Rovin, 2010: 432; Claxton, 2019: 4; Lo and Jo – Mei, 2014: 399 هر چند که در ابتدای پیشنهاد طرح اولیه کنوانسیون، کارگروه آنسیترال واژه «محرمانگی» را پیش بینی کرده بود، اما در متن نهایی، این نهاد حذف گردید و نظر چنین بود که مطابق شرایط قانون حاکم، در هر حال، محرمانگی فرآیند میانجیگری باید حفظ شود و نیازی نخواهد بود که این نهاد وارد جزئیات توافق نامه سازش شود، زیرا این مسأله باعث افشای اطلاعات پرونده شده و در نتیجه، می‌توان به همین استناد رأی به بی اعتباری سازش نامه تنظیمی داد. در واقع، اعتقاد بر این بود که در این خصوص باید براساس مقررات قانون داخلی حاکم بر اجرای سازش نامه رفتار نمود (Chua, UNCITRAL, 2016 & Schnabel, 2019: 18 (2); 20). علاوه بر این، با تدقیق در پارگراف «ه» بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون سنگاپور می‌توان به این مهم رسید که یکی از جهات ردّ اجرای سازش نامه در حقوق داخلی کشورهای عضو، وضعیتی است که استانداردهای قابل اعمال در خصوص میانجیگری یا سازش به صورت اساسی توسط شخص میانجی مورد نقض قرار گرفته است و حال آنکه نادیده گرفتن محرمانگی نیز یکی از همین استانداردها خواهد بود (معبودی نیشابوری و رضایی، ب / پیشین: ۱۳۰) با این توجیه که اگر یکی از طرفین از این موضوع مطلع شود که محرمانگی فرآیند میانجیگری مورد نقض قرار گرفته است قطعاً حاضر به انعقاد سازش نامه نمی‌شد (توضیح آنکه رعایت محرمانگی در اسناد مشابه مورد تصریح قرار گرفته است مانند مواد ۸ و ۹ قانون نمونه آنسیترال ۲۰۰۲، ماده ۱۰ قانون نمونه ۲۰۱۸ و ماده ۷ دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص میانجیگری مصوب ۲۰۰۸) با مذاقه در حقوق ایران نیز (خصوصاً در ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مواد بعدی آن) نمی‌توان به لزوم رعایت محرمانگی در سازش تجاری رسید، اما با امعان نظر در مواد ۲۰ و ۲۲ آیین نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ می‌توان به لزوم رعایت این مقرر نائل آمد، هر چند که این آیین نامه نمی‌تواند سکوت قانونگذار ما را در سازش نامه‌های بین‌المللی در امور تجاری را برطرف نماید اما مطابق عموماً دادرسی و رسیدگی‌های نهاد داوری باید قائل به رعایت اصل محرمانگی توسط میانجیگر و طرفین اختلاف در فرآیند میانجیگری بود.^۱

^۱ لازم به توضیح می‌باشد که در حقوق ایران نه قانون داوری تجاری بین‌المللی (مصوب ۱۳۷۹) و نه قانون آیین دادرسی مدنی (فصل هفتم / مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱) هیچ یک به طور صریح به حفظ اسرار تجاری و محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به داوری اشاره نکرده است اما به طور رایج امروزه در تمام قراردادهای تجاری بین‌المللی این مؤلفه همواره از اصول اساسی و بنیادین قراردادهای بشمار می‌رود که غالباً برای آن ضمانت اجرا نیز پیش بینی می‌گردد. با این وجود در مقررات داخلی بعضی کشورها این مشخصه به طور مصرح مورد تقنین قرار گرفته است از جمله قانون داوری انگلستان مصوب ۱۹۹۶ که در مواد مختلفی به مواردی همچون اینکه داوری باید به شکل خصوصی در جریان باشد، در هر داوری محرمانه بودن اطلاعات باید به عنوان یک پیش فرض لحاظ شود و همچنین، جز با احراز برخی استثنائات مانند حکم دادگاه، منافع عمومی، رضایت طرفین و لزوم وجوب ضرورت (نافع به مصالح طرفین) محرمانگی به هیچ عنوان نباید نقض گردد. جهت مطالعه بیشتر در این زمینه،

۴- قواعد عام کنوانسیون میانجیگری سنگاپور

بعضی از قواعد حاکم بر کنوانسیون سنگاپور، خاص این کنوانسیون نبوده و در اسناد مشابه نیز به می‌توان نمونه آنها را دید، اما با این وجود، مقررات این کنوانسیون برخلاف مقررات مشابه، کنوانسیون سنگاپور به آنها ویژگی و اوصاف خاصی اعطاء کرده است مانند «انعقاد سازش نامه در اثر فرآیند میانجیگری» (بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال نسخه ۲۰۰۲ و بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون میانجیگری سنگاپور)، «اعطای وصف بین‌المللی به سازش نامه‌های تنظیمی» (مطابق بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون) به تبع بین‌المللی بودن اختلاف که یکی از شروط شمولیت کنوانسیون سنگاپور بر میانجیگری است، «شرط اِعمال کنوانسیون در سازش نامه‌های بین‌المللی که دارای وصف تجاری باشند» (برخلاف اسناد مشابه که از لفظ عام اختلافات قراردادی صرفنظر از نوع و ماهیت آنها مورد تصریح قرار گرفته اند مانند دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص سازش مصوب ۲۰۰۸ که به دعاوی مدنی و تجاری اشاره کرده است یا قانون نمونه سازش آنسیترال مصوب ۲۰۰۲) و «وصف تجاری» که شرط اصلی مداخله شخص میانجی و دارابودن ارزش حقوقی برای سازش نامه‌های تنظیمی مطابق قواعد عام این کنوانسیون خواهند بود که در این گفتار هر یک از این قواعد باختصار بررسی خواهند شد.

۴-۱- انعقاد سازش نامه در اثر فرآیند میانجیگری

از ابتدای وضع این کنوانسیون همواره تأکید بر این بود که قلمرو این کنوانسیون صرفاً و منحصرأً محدود به میانجیگری (سازش در مفهوم اعم) باشد. سازش نیز مطابق بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون چنین تعریف شده است: «سازش صرفنظر از اصطلاحی که استفاده می‌شود یا بر هر مبنایی که اجراء می‌گردد به معنای فرآیندی است که طرفین تلاش می‌کنند تا با کمک شخص یا اشخاص ثالث (میانجی) بدون اختیار تحمیل راه حل به طرفین اختلاف به یک نتیجه دوستانه در مورد اختلافشان دست یابند» (حمید، ۱۳۹۹: ۲۱۵ و معبودی نیشابوری و رضایی، الف / ۱۳۹۹: ۷۸۵). برخی از نویسندگان نیز سازش را صرفاً اتخاذ تصمیم (اعلام نظر) در خصوص اختلاف پیشآمده میان طرفین دعوا به کمک گرفتن از میانجی (شخص ثالث) می‌دانند (Nigmatullin, 2019: 15) که با حقوق ما همخوانی دارد؛ البته، در حقوق ما اغلب «سازش» در مفهوم «صلح» آورده می‌شود و آثار عقد صلح بر آن بار می‌آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۸۶۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۲۳ و متین دفتری، ۱۳۸۸: ۴۷۷) شاید به همین علت است که

ر.ک. به: موسوی حرمی، یاسمین، (۱۳۸۹)، محرمانگی در داوری تجاری بین‌المللی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی و در با میانجیگری، ر.ک. به: شهبازی نیا، مرتضی و ملک نیا، پریا (پاییز ۱۳۹۵)، محرمانگی در میانجیگری و تضمینات قانونی آن با بُعد بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره پانزدهم.

نویسندگان حقوق داخلی از «سازش نامه» گاهی با عنوان «صلح نامه» نام می‌برند و ماهیت آن را نیز صلح در مقام رفع تنازع بر می‌شمارند و آن را مشمول احکام و آثار صلح می‌دانند (امامی، ۱۳۵۲: ۳۲۱ و شمس، ۱۳۹۸: ۴۹۷). البته مطابق پارگراف b بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون، طرفی که به سازش نامه استناد می‌جوید می‌بایست مستندات آن را نیز ارائه نماید و صرف ادعای سازش کافی نخواهد بود؛ این مستندات عبارتند از دلیلی که نشان دهد سازش نامه مورد ادعا از فرآیند میانجیگری مدنظر این کنوانسیون حاصل شده است (نیشابوری و رضایی، پیشین: ۷۸۸) که این دلیل با مدارکی چون امضای میانجی روی سازش نامه، سندی که نشان دهد سازش توسط میانجی انجام شده است، تصدیق نهاد اداره کننده میانجیگری و در صورتی که این مدارک در میان نباشد (قاعده انعطاف پذیری کنوانسیون سنگاپور) کنوانسیون جهت اثبات انعطاف پذیری خود، پذیرفته است که هر سند دیگری از نظر مقام ذصلاح قابل قبول باشد ارائه شود (Abramson, 2019: 370-371; Chua, 2019 a: 6) همچنین، متقاضی اجرای سازش باید با ارائه مدارک مذکور (مطابق پارگراف b بند ۱ ماده ۴) اثبات نماید که توافقنامه حل اختلاف، مستقیماً ناشی از میانجیگری بوده است و هرگاه این مدارک ارائه گردد، مسلماً بار اثبات ادعا بر عهده طرف مقابل خواهد بود که می‌بایست عدم اعتبار مدارک موردنظر را اثبات نماید زیرا که بر مدعی میانجیگری - مطابق نص صریح کنوانسیون - ارائه مدارک و مستندات سازش کافی است (Claxton, 2019: 1; Schnabel, 2019 a: 18).

۲-۴- وصف بین‌المللی سازش نامه‌های تنظیمی کنوانسیون

مطابق آنچه که بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مقرر کرده است، سازش نامه باید بین‌المللی باشد تا قابل ارجاع به نهاد میانجیگری مطابق اصول کلی این کنوانسیون باشد؛ هر چند که ممکن است سازش نامه‌های داخلی و بین‌المللی از لحاظ ماهیت تفاوت چندانی هم با یکدیگر نداشته باشند؛ اما کارگروه آنسیترال (UNCITRAL, 2015 (B)) با تصمیمی دقیق، تصمیمات کنوانسیون را محدود به سازش نامه‌های بین‌المللی کرد تا کشورها راحت تر بتوانند به کنوانسیون سنگاپور ملحق شوند و نیازی نباشد برای هر قاعده حقوقی کنوانسیون دست به تغییرات در قوانین و مقررات داخلی نمایند (معبودی نیشابوری و رضایی، پیشین: ۷۹۱) البته کشورهای عضو می‌توانند این معیار را در انطباق با قواعد عام کنوانسیون، در مقررات داخلی خویش نسبت به سترش نامه‌ها اعمال نمایند و از این حیث محدودیتی متصور نیست (Nwoye, 2019: 1; Schnabel, 2019 a: 20; Schnabel, 2019 b: 2) از حیث تعریف عنصر «بین‌المللی» نیز بنظر می‌رسد کنوانسیون سنگاپور با قانون نمونه ۲۰۰۲ آنسیترال (بند ۴ ماده ۱) و قانون نمونه ۲۰۱۸ (بند ۲ ماده ۳) تا حدود زیادی هماهنگی وجود دارد، هر چند که مطابق قانون نمونه ۲۰۰۲ این امکان فراهم شده است که قاعده مزبور (وصف بین‌المللی) به سازش نامه‌های غیربین‌المللی نیز اعمال شود (بند ۶ ماده قانون نمونه ۲۰۰۲ مقرر کرده است که حتی اگر اختلاف بین‌المللی محسوب

نشود، با توافق طرفین، قانون نمونه بر سازش نامه قابل اجراء خواهد بود که به بنظر می‌آید در کنوانسیون سنگاپور چنین اختیار موسعی پیش بینی نشده است).

۳-۴- وصف تجاری سازش نامه

یکی دیگر از قواعد عام کنوانسیون سنگاپور این است که برای اعمال مقررات این کنوانسیون بر فرآیند میانجیگری الزاماً باید سازش نامه بین‌المللی «تجاری» باشد. این شرط پیش از آنکه توسط کارگروه تدوین کنوانسیون مطرح شود، توسط دکترین حقوقی نیز مورد اشاره و تصریح قرار گرفته است و کارگروه آنسیترال نیز به درستی آن را لحاظ کرده است (Lo, 2014: 130-131; Boulle and Qin, 2016: 54). این وصف از دو جنبه حائز اهمیت است؛ اول آنکه یکی از اهداف مهم کنوانسیون سنگاپور، تسهیل و افزایش اعتماد متقابل در تجارت بین‌الملل می‌باشد (Lo, 2014: 131) و دوم پیش از وضع و تصویب کنوانسیون سنگاپور، قید تجاری بودن در قانون نمونه ۲۰۰۲ آنسیترال آمده است و براساس آن، بیشتر کشورها به درج آن در مقررات داخلی خود پرداخته‌اند. از این رو، اکنون امکان آن نبود که وصف تجاری بودن تعمیم داده شود و به اختلافات غیرتجاری نیز سرایت کند چه آنکه در این صورت میان مفاد قانون نمونه ۲۰۰۲ و این کنوانسیون مغایرت ایجاد خواهد شد و بدین ترتیب، پذیرش و اجرای چارچوب قانونی بین‌المللی که به قصد یکپارچه کردن و همسان‌سازی سازش نامه‌های بین‌المللی است با اشکال مواجه خواهد بود (معبودی نیشابوری و رضایی، پیشین: ۷۹۵) بنظر می‌رسد شرط تجاری بودن سازش نامه‌ها مطابق رویه کلی کنوانسیون سنگاپور بیشتر به این دلیل می‌باشد که کشورها اغلب بر موضوعات غیرتجاری مانند حقوق خانواده، حقوق مدنی، حقوق کار و ... حساسیت دارند و دولتها همواره تمایل دارند که این موضوعات مطابق قواعد حقوقی ملی حل و فصل شوند و مشمول کنوانسیون واقع نگردند چه آنکه اگر کارگروه آنسیترال از این شرط فراتر رفته و اختلافات غیرتجاری را نیز در قلمرو کنوانسیون سنگاپور می‌آورد، ممکن بود بسیاری از کشورهای کنونی که عضو کنوانسیون می‌باشند از عضویت در آن منصرف می‌شدند اما برای اینکه بتوان تعریف موسّع و عام الشمول تری از وصف تجاری داشته باشیم، می‌بایست به تمام ابزارها و امکانات از جمله مفهوم تجاری بودن مطابق بند «ب» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ (در حقوق ایران) روی آورد.^۱

^۱ مطابق مفهوم بند «ب» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به صرف آنکه از طرفین اختلاف در زمان انعقاد موافقتنامه داوری غیرایرانی باشد کافی تا چنین اختلافی را یک اختلاف بین‌المللی بدانیم؛ مبنای احراز خارجی بودن نیز مطابق قسمت پایانی این ماده، قانون ایران است که منظور مواد ۹۷۶ الی ۹۹۱ قانون مدنی و قانون تابعیت (مصوب ۱۳۰۸/۰۶/۱۶) خواهد بود.

نتیجه‌گیری

کنوانسیون میانجیگری سنگاپور با هدف ایجاد یک نظام یکسان و کارآمد برای توافق نامه‌های حل و فصل بین‌المللی از طریق میانجیگری است. این کنوانسیون سعی کرده است که طرفین اختلافات تجاری بین‌المللی به راحتی بتوانند توافق نامه‌های حل و فصل اختلافات خویش را در آسوی مرزهای ملی خویش اجراء نمایند؛ از سویی نیز تجارت بین‌الملل تمایل داشته است علاوه بر داوری، از میانجیگری نیز به عنوان یک روش کارآمد در حل و فصل اختلافات خویش بهره بگیرد. در واقع، هدف از تقنین این سند رسیدگی به فقدان فرآیندی است که از طریق آن، توافق‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی در سطح جهانی قابلیت اجراء داشته باشد؛ این فرآیند در کنوانسیون سنگاپور با وصف لازم الاجراء برای سازش نامه‌های تنظیمی توجیه شده است. علاوه بر این، کارگروه تدوین این سند با پیش‌بینی بعضی قواعد حقوقی مانند حق شرط، انعطاف‌پذیری، اجرای سازش نامه‌های تنظیمی بدون نیاز به اقدام جدید قضایی یا رأی داوری، اختصاص سازش نامه‌های تنظیمی به اختلافات تجاری بین‌المللی، عدم تعارض با مقررات داخلی کشورها و ... خواسته است دولت‌ها و نهادهای وابسته در اختلافات تجاری بین‌المللی خویش از طریق میانجیگری اقدام کرده و همواره با برطرف نمودن موانع حقوقی داخلی در مقام آسان نمودن اجرای تصمیمات میانجی‌ها در نظام حقوقی داخلی خویش گردند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تصویب کنوانسیون سنگاپور توسط دولت‌ها عضو منجر به تسهیل تجارت بین‌المللی از طریق افزایش اعتماد طرف‌های اختلافات بین‌المللی به اینکه توافق نامه‌های حل و فصل آنها می‌تواند به راحتی اجرا گردد، کمک شایانی خواهد کرد.

فهرست منابع:

- امامی، سیدحسن. حقوق مدنی. جلد ۲ (چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی. ۱۳۵۲).
- امیری، میلاد و رضایی، پریسا. تحلیل جهات رد درخواست اجرای موافقت نامه‌های ناشی از میانجی‌گری بر اساس کنوانسیون سنگاپور، فصلنامه اندیشه حقوقی، سال دوم، شماره ششم (پاییز ۱۴۰۰) صص ۶۰-۷۸.
- آوایی، سیدعلیرضا. کنفرانس تخصصی سازمان ملل درباره موافقتنامه‌های حل و فصل بین‌المللی ناشی از میانجیگری (کنوانسیون سنگاپور)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (۲۲ مهرماه ۱۳۹۸).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دایره المعارف علوم اسلامی قضایی، جلد ۲ (چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۸۱).
- جنیدی، لعیا. کنفرانس تخصصی سازمان ملل درباره موافقتنامه‌های حل و فصل بین‌المللی ناشی از میانجیگری (کنوانسیون سنگاپور)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس (۲۲ مهرماه سال ۱۳۹۸).
- جوادپور، نغمه؛ علومی یزدی، حمیدرضا و ابراهیمی، سیدنصراله. حل و فصل اختلافات قراردادهای تجاری بین‌المللی از طریق میانجیگری - داوری با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم، شماره بیست و نهم (زمستان ۱۳۹۸) صص ۱۱۲-۸۳.

- حبیبی، بهنام (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی و تحلیلی مقررات سازش آنسیترال، اتاق بازرگانی و بررسی تطبیقی و تحلیلی مقررات داوری آنسیترال اتاق بازرگانی و قانون داوری تجاری، فصلنامه حقوقی میزان، دوره جدید، شماره ۱ و ۲، صص ۳۹-۲۷.
- حسینی اکبرنژاد، حوریه. چشم انداز آینده کنوانسیون سنگاپور در مورد میانجی گری در منطقه آسیا، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۴. (زمستان ۱۴۰۰) صص ۱۶۶۷-۱۶۴۵.
- حمید، عبدالسلام و حمید، کامل. جایگاه داوری در حل و فصل اختلافات و دعاوی تجاری بین‌المللی (چاپ اول، اهواز: انتشارات آشناگر اندیشه. ۱۳۹۹).
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد ۳ (چاپ سی و دوم، تهران: انتشارات دراک. ۱۳۹۸).
- شیروی، عبدالحسین. بررسی قانون آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره دهم. (بهار و تابستان ۱۳۸۵) صص ۷۳-۴۵.
- شیروی، عبدالحسین. حقوق نفت و گاز (چاپ دوم، تهران: نشر میزان. ۱۳۸۵).
- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی؛ عقود معین (مشارکت‌ها - صلح)، جلد ۲ (چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش. ۱۳۹۱).
- متین دفتری، احمد. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول (چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد. ۱۳۸۸).
- محبی، محسن و بذار، وحید. سازش به عنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلاف‌های تجاری با تأکید بر قانون آنسیترال در خصوص سازش تجاری، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره چهارم (تابستان ۱۳۹۸) صص ۶۹-۵۵.
- معبودی نیشابوری، رضا و رضائی، سیدعلیرضا. قلمرو سازش نامه‌های مشمول کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۴. (زمستان ۱۳۹۹) صص ۸۰۱-۷۸۳.
- معبودی نیشابوری، رضا و رضائی، سیدعلیرضا. رویکرد کنوانسیون سنگاپور ۲۰۱۹ و نظام حقوقی ایران در مورد چالش‌های سازش نامه‌های حاصل از میانجی گری تجاری بین‌المللی، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۴، شماره ۲. (تابستان ۱۳۹۹) صص ۱۳۸-۱۱۳.
- مقدم ابریشمی، علی. چالش‌های کنوانسیون میانجیگری سنگاپور و الحاق ایران، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۵. (پاییز و زمستان ۱۴۰۰) صص ۲۸۰-۲۶۳.
- Abramson, Hal. New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements, In *Mediation in International Commercial and Investment Disputes*, London, Oxford University Press, First Edition (2019).
- Alexander, Nadja. Ten Trends in International Mediation, *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31 (2019).
- Claxton, James M. *The Singapore Convention: Mediation in a New York State of Mind* (2019).
- Chong, Shou Yu and Steffek Felix. Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private

- international law issues in perspective, Singapore Academy of Law Journal, Vol 31 (2019).
- Chua, Eunice. A Contribution to the Conversation on Mixing the Modes of Mediation and Arbitration: of Definitional Consistency and Process Structure, Transnational Dispute Management (2018) (1).
 - Chua, Eunice. Enforcement of International Mediated Settlement Agreements in Asia: A Path towards Convergence, 15 Asian International Arbitration Journal, Issue 1 (2019) (2).
 - Chua, Eunice. The Singapore convention on mediation - A brighter future for Asian dispute resolution, Asian Journal of International Law, Vol. 9 (2) (2019) (B).
 - Hadikusumo, Josephine and Chua, Eunice. Recent developments in international mediation: Singapore's unique approach, Taipei International Conference on Arbitration and Mediation, Taipei International Conference on Arbitration and Mediation 2015 (2015).
 - Lo, Chang - fa and Jo - Mei M, Winnie. Draft Convention on Cross - Border Enforcement of International Mediated Settlement Agreements, Contemporary Asia Arbitration Journal, Volume 7 (2014).
 - McCormick Khory and Ong Sharon S M. Through the Looking Glass: An Insiders Perspective into The Making of The Singapore Convention on Mediation, Singapore Academy of Law Journal. Vol 31 (2019).
 - Morris - Sharma, Natalie Y. Constructing the convention on mediation The Chairperson's Perspective, Singapore Academy of Law Journal, Vol 31 (2019).
 - Rovine, Arthur W. Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation, the Fordham Papers, Netherlands, Martinus Nijhoff Publisher (2010).
 - Schnabel, Timothy. The Singapore convention on mediation: framework for the cross -border recognition and enforcement of mediated settlements, Pepperdine Dispute Resolution Law Journal, 19 (A) (2019).
 - Strong, S. I. Applying the Lessons of International Commercial Arbitration to International Commercial Mediation A Dispute System Design Analysis, In Mediation in International Commercial and Investment Disputes, London, Oxford University Press, First Edition (2019).
 - Sussman Edna. The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements, ICC Dispute Resolution Bulletin, Issue 3 (2018).
 - Uncitral. Audio Recordings: Working Group HI (Arbitration and Conciliation), 63rd Session (2015).
 - Uncitral. Audio Recordings: Working Group HI (Dispute Settlement), 65th Session (2016).
 - Uncitral. Audio Recordings: U. N. Comm'n on Int'l Trade Law, 47th Session (2019).



The Rules Governing the International Commercial Dispute Settlement System in the Singapore Convention

Kamel Hamid^{*}
Ali Rostamifar^{**}
Hamid Ghasemi^{***}

Abstract

The United Nations Convention on International Agreements for the Settlement of Commercial Disputes, entitled the Singapore Convention (on Mediation), entered into force on September 12, 2020. Before the ratification and implementation of this convention, the international agreements for the settlement of disputes through mediation did not have an enforceable character; This means that the losing party usually ignored the arbitrator's decision that was against him. Indeed, the Convention provides a harmonized framework for the cost-effective and expeditious implementation of enforceable arbitration agreements instead of arbitration. The Singapore Convention tries to provide a framework for the implementation of mediated settlement agreements related to international commercial matters in an integrated and coordinated manner (such as the New York Convention and the Hague Convention). According to this convention, countries that ratify it are responsible for settlement agreements and provide for the chapter resulting from mediation based on their internal laws and at the same time through national courts and in a simplified manner, as stipulated in the text of the convention. In this research, which was compiled using a descriptive and analytical method, it is concluded that the Singapore Convention, in terms of special rules in the field of mediation, facilitates international trade by transforming mediation into an efficient and reliable method, with a binding and enforceable definition. It is for resolving disputes in addition to arbitration and judicial proceedings in order to create certainty and stability in the field of international commercial mediation.

Keywords

Commercial Conciliation, Mediation, Singapore Convention, Dispute Resolution.

^{*} PhD student in Private Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran, Email: kamelhamid.phd@gmail.com

^{**} Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Literature and Humanities, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran, (Responsible Author): arq119@yahoo.com

^{***} Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Literature and Humanities, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran, Email: hamidghasemi@ut.ac.ir